

# فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال یازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۴۰۰ - شماره پيوسته ۳۴

## مهم‌ترین ویژگی‌های تصریفی اسم و فعل در گویش بواناتی (بخش مرکزی)

(ص ۷۹-۱۰۳)

جلال رحیمیان<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)، فاطمه کامگار<sup>۲</sup>

: 20.1001.1.2345217.1400.11.4.4.3

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۳

### چکیده

هدف از نگارش این مقاله توصیف ویژگی‌های تصریفی اسم و فعل در گویش بواناتی (بخش مرکزی شهرستان بوانات) است. پژوهش حاضر که نخستین بررسی نظام‌مند درباه گویش بواناتی است با روش توصیفی (میدانی) و کتابخانه‌ای انجام شده است. ما در این پژوهش، مقوله‌های مورد نظر را از دو جنبه ساختار و معنا مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌ایم. از جمله یافته‌های پژوهش می‌توان به نشانه جمع /ä/ در این گویش اشاره کرد که بنا به ماهیت در جایگاه‌های مشخصی، گاهی گویشوران را ناچار به استفاده از واج‌های میانجی می‌سازد تا از التقای واکه‌ها پرهیز شود. «یک» به عنوان نشانه اسم نکره در فارسی معیار، به شکل «jej» در این گویش ظاهر می‌شود. در قریب به اتفاق موارد کسره اضافه در این گویش حذف می‌شود که جزئیات آن در متن تحقیق بیان شده است. ضمائر ملکی در این گویش نیز از نظر ساختاری شکلی منحصر به فرد دارند که مشابه آن در فارسی معیار دیده نمی‌شوند. در بخش افعال، برخی از افزونه‌های شخص و عدد از قبیل شناسه دوم شخص جمع بنام /-ik/ مختص این گویش است و در فارسی معیار به کار نمی‌رود. در صورت‌های فعلی منفی، پیشوند «می» به «م» کاهش می‌یابد و صورتی چون «نمی‌روم» به «نرم» /næ-m-r-æm/ تبدیل می‌شود. طی این پژوهش به یافته‌های دیگری نیز رسیدیم که شرح آن‌ها در متن تحقیق آمده است.

کلمات کلیدی: گویش بواناتی، معرفه و نکره، نشانه‌های جمع، صرف افعال.

۱. استاد بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

E-mail : jalalrahim74@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

E-mail : fatikami2020@gmail.com

شیراز، شیراز، ایران.

## ۱. مقدمه

گردآوری و ثبت گویش‌ها<sup>۱</sup> گذشته از این که یک رسالت بسیار مهم برای زبان‌شناسانی است که در زمینه گویش‌شناسی<sup>۲</sup> به تحقیق می‌پردازند، می‌تواند دستاوردهای علمی باارزشی در پی داشته باشد. گاهی با مطالعه یک گویش، بُعدی از ابعادی که طی گذشت زمان در زبان معیار در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است، روشن می‌شود. شاید بر اساس برخی از باورهای عوامانه، گویش‌ها و لهجه‌ها<sup>۳</sup>، گونه‌های پایین‌مرتبه نسبت به زبان معیار<sup>۴</sup> محسوب شوند، اما زبان‌شناسان که به مطالعات زبانی نگاه علمی دارند نه تنها چنین نظراتی را بر نمی‌تابند بلکه بر این باور هستند که از لحاظ ماهوی تفاوتی میان مطالعه لهجه، گویش و زبان وجود ندارد. تفاوت‌های زبانی میان لهجه‌ها، گویش‌ها و زبان‌ها به خودی خود بسیار سازنده‌اند و هر کدام بازتاب هویت قومی یک قوم یا یک منطقه زبانی است. هر گویش را می‌توان به عنوان بخشی زنده و گویا از فرهنگ و ادبیات ملی یک مملکت و کشور دانست. بارها با این جملات روبرو شده‌ایم که زبان و فرهنگ، ارتباط جدایی‌ناپذیری با هم دارند و از دست رفتن یک زبان یا یک گونه<sup>۵</sup> زبانی به معنای از دست دادن یک فرهنگ است. اما متأسفانه تقریباً تمام گویش‌ها در حال از دست دادن اهمیت خود هستند و امروز کمتر کسی را می‌توان یافت که به گویش اصیل و بومی خود سخن بگوید. به هر حال، نکته مثبت و امیدوارکننده این است که اخیراً توجه شایانی از سوی دانشگاه‌ها، نهادها و سازمان‌هایی همچون سازمان میراث فرهنگی و فرهنگستان زبان و ادب فارسی به ضبط و گردآوری گویش‌های ایرانی شده است، که از آن میان می‌توان به پژوهش فتحی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

### ۱-۱. اهمیت و هدف تحقیق

گویش بواناتی، یکی از گویش‌های ایرانی میانه غربی است. گویشوران این گویش همچون دیگر گویش‌ها تحت تأثیر گسترش فزاینده رسانه‌های گوناگون، پابندی خود به استفاده از آن را به تدریج از دست می‌دهند. در این شرایط، مهم‌ترین اقدامی که یک زبان‌شناس می‌تواند در باب گویش‌های در حال زوال انجام دهد، ثبت و ضبط جزئیات آن است. در پژوهش حاضر، تلاش این است که توصیفی از ویژگی‌های تصریفی گویش بواناتی (بخش مرکزی) فراهم شود. بوانات شامل سه بخش مرکزی، سرچهان و مزایجان است. بخش مرکزی بوانات شامل دو شهر کوچک سوربان و جیان است. گویشی که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، گویش مربوط به بخش مرکزی است؛ چراکه

1. dialects

2. dialectology

3. accents

4. standard language

5. variant

بخش‌های این شهرستان به لحاظ گویشی تفاوت‌های قابل توجهی نسبت به هم دارند. ما طی این تحقیق، به توصیف واژگانی و نحوی گویش بواناتی خواهیم پرداخت.

امروزه گویش‌های بسیاری خاموش شده‌اند و تعداد بسیاری نیز در شیب تند فراموشی افتاده‌اند که متأسفانه رشد رسانه‌های ملی و بین‌المللی و شکل‌گیری دهکده‌ای جهانی با الگوی فرهنگی‌ای یکسان، بر سرعت محو شدن گویش‌ها افزوده است. تقریباً تمام گویش‌ها در حال از دست دادن اهمیت خود هستند. حتی به سختی می‌توان لهجه‌ای را یافت که در شهر با آن سخن گفته شود. بنابراین، ثبت تاریخی جزئیات این گویش که در مسیر خارج شدن از حیز ارتفاع قرار گرفته است، اهمیت تاریخی خواهد داشت تا آیندگان از این گویش اطلاعاتی کسب کنند. به علاوه، از آنجا که زبان و فرهنگ، ارتباط جدایی ناپذیری با هم دارند، از بین رفتن یک گویش، به معنای نابودی گوشه‌ای از یک فرهنگ است که کشف دوباره آن زمان‌بر و تقریباً ناممکن خواهد بود. اهمیت فرهنگی توجه به گویش‌های ایرانی در این است که با اندکی تلاش در راستای شناسایی، ثبت، ضبط و توصیف گویش‌ها می‌توان توصیفی از ابعاد گوناگون فرهنگی گویشوران بومی<sup>۱</sup> این گویش برای آیندگان فراهم ساخت.

گویش بواناتی در کنار ویژگی‌های واژگانی و نحوی، منبع ارزشمندی از مثل‌ها، قصه‌ها، اشعار و ادبیات عامیانه محلی است که ضبط و گردآوری آن‌ها (پیش از نابودی)، یک ضرورت محسوب می‌شود. این گویش، منبعی غنی از واژگان کهن و بعضاً کمیاب زبان فارسی است که برخی از آن‌ها در فارسی نو یافت نمی‌شوند. بررسی واژه‌های این گویش گاهی می‌تواند به شناخت وجه تسمیه اسامی خاص، جای‌ها و پدیده‌های طبیعی بینجامد. با توجه به غنای واژگانی و اصطلاحات و ضرب-المثل‌های<sup>۲</sup> فراوان موجود در این گویش انتظار می‌رود که بخش قابل توجهی از این پژوهش به بررسی و ثبت و ضبط این دسته از داده‌ها اختصاص یابد. توصیف ساخت‌واژی گویش مذکور می‌تواند با فراهم‌آوردن امکان کشف روش‌های ناب واژه‌سازی<sup>۳</sup>، به واژه‌گزینی‌های<sup>۴</sup> درخور و مطابق با ذات زبان فارسی بینجامد.

گویش‌های ایرانی به‌مثابه تکه‌هایی از جورچین زبان فارسی محسوب می‌شوند که با گم شدن هر تکه این جورچین، شناخت دقیق و رمزگشایی از نقاط کور زبانی و به دست دادن سیمای کامل زبان فارسی ممکن نخواهد بود. امروزه توسعه شهرنشینی، رونق رسانه‌های جمعی و البته رشد سواد باعث نابودی و فراموشی گویش‌ها شده است. همان گونه که اشاره شد، در چنین وضعیتی، زبان‌شناس وظیفه دارد تا با انجام پژوهش‌های دقیق، علمی و روزآمد، توصیفی ماندگار از این گنجینه‌های

1. native speakers

2. idioms and proverbs

3. word formation

4. world selection

ارزشمند زبانی فراهم کند. بررسی گویش‌های ایرانی و ثبت و ضبط آن‌ها می‌تواند منابعی غنی از مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و حتی روان‌شناسی زبان را در دسترس پژوهشگران حوزه‌های مختلف قرار دهد. لازم به ذکر است که تا به حال در زمینه گویش بواناتی پژوهش زبان‌شناختی شایان ذکری صورت نگرفته است.

بررسی ما در این تحقیق، عمدتاً شامل ویژگی‌های تصریفی<sup>۱</sup> واژه‌های گویش بواناتی بود. برای بررسی و تحلیل ویژگی‌های مزبور از شقاقی (۱۳۸۱) و کلباسی (۱۳۷۹) به عنوان دو الگو استفاده شد.

### ۲-۱. شیوه تحقیق

شیوه پژوهش ما به میزان قابل توجهی میدانی و به مقدار اندکی کتابخانه‌ای است. به عنوان بخشی از تحقیق، به ضبط صدای گویشوران و مصاحبه با آن‌ها پرداخته شد. همچنین از پرسشنامه‌های استاندارد شده گویشی در این پژوهش استفاده شد. چون یکی از محققان، خود گویشور بومی این گویش است، بررسی ابعاد مختلف آن با دشواری چندانی همراه نبود. در انتخاب گویشوران مورد مطالعه نیز سعی شده است که تا حد امکان از نمونه‌های مسن، بیسواد یا کم‌سواد و افرادی که در طول عمر خود سفر کمتری داشته‌اند، استفاده شد.

### ۳-۱. پیشینه تحقیق

اصطلاح «گویش‌شناسی» نخستین بار در زبان فارسی از سوی کیا (۱۳۴۰) به کار رفت. وی در اثر تحقیقی خود به جزئیاتی پرداخت که باید در گردآوری گویش‌ها رعایت شود. از جمله آثاری که از نظر برخی محققان، مقدمه تدوین اطلس گویش‌شناسی است و باید به آن اشاره کرد، اثری تحقیقی تحت عنوان واژه‌نامه شصت و هفت گویش ایرانی است. این پژوهش، در سال (۱۳۹۰) از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی<sup>۲</sup> تدوین و توسط پژوهشگاه علوم انسانی به چاپ رسیده است. همان طور که شریفیان (۱۳۸۷) اشاره می‌کند، ناتل خانلری و اختیار (۱۳۴۴) از نخستین آثاری است که الگوی مناسبی برای توصیف گویش‌های ایرانی محسوب می‌شود. چمبرس و ترودگیل (Chambers and Trudgill, 2004) از جمله آثار نظری مفیدی در باب گویش است که علاوه بر بحث و بررسی اصطلاحات گویش‌شناسی، روش تحقیق مناسبی را برای بررسی گویش‌ها پیشنهاد می‌کند. از جمله آثار متأخر در زمینه گردآوری گویش‌ها می‌توان به زمردیان (۱۳۸۶) و شیری (۱۳۸۶) اشاره کرد. تلاش نویسندگان در این آثار، ارائه راهکارهایی عملیاتی برای تهیه و تنظیم پژوهش‌های گویشی است.

1. inflectional features

2. Academy of Persian language and literature

ایشان، ضمن آشناساختن مخاطب با تعاریف و اصطلاحات لازم در زمینه گویش‌شناسی، وی را به تدریج با مراحل تحقیق و توصیف گویش‌ها آشنا می‌سازند. راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایرانی که از سوی گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال (۱۳۹۱) تدوین شد، یکی از بهترین آثاری است که در زمینه ثبت و ضبط گویش‌ها به نگارش درآمده است. یکی دیگر از آثار برجسته در زمینه گویش‌های ایرانی، از سلامی (۱۳۸۳) و با عنوان گنجینه گویش‌شناسی است که زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی در چند جلد تهیه و تدوین شده است و تاکنون ۶ دفتر از این مجموعه به چاپ رسیده است. وجود نشریات زبان‌شناسی و مجلات تخصصی گویش‌شناسی طی سال‌های اخیر به پیشرفت مطالعات علمی و دقیق گویشی منجر شده است. از جمله پژوهشگرانی که در قالب مقالاتی به جنبه‌هایی از گویش بواناتی پرداخته‌اند می‌توان به رضایی باغ‌بیدی (۱۳۸۲)، زارع و زنجبر (۱۳۸۷)، حسام‌پور و جبار (۱۳۸۷)، منصور (۱۳۹۲ و ۱۳۸۶) و فاموری (۱۳۹۲) اشاره نمود. همچنین باید به برخی پایان‌نامه‌ها در زمینه گویش بواناتی از جمله خواجه‌اختران (۱۳۸۷) و امام (۱۳۹۰) اشاره نمود. در این پایان‌نامه‌ها تحقیقی بر فولکلور و ادبیات شفاهی<sup>۱</sup> مردم بوانات، مجموعه‌ای از آداب و رسوم، اعتقادات، سنت‌ها، برگزاری مراسم اجتماعی و همچنین ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها، ترانه‌ها، بازی‌ها، و بررسی‌های غیر علمی زبانی صورت گرفته است. فرهنگ‌ها، کتب و سالنامه‌های اندکی نیز به صورت پراکنده به بررسی لغات محلی، قصه‌های کهن بواناتی و اماکن تاریخی بوانات پرداخته‌اند که می‌توان از آن‌ها به عنوان منابع مفیدی برای انجام این پژوهش استفاده کرد.

#### ۱-۴. شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها

ما طی این تحقیق، از گویشوران بومی مسن، بیسواد یا کم‌سواد و افرادی که در طول عمر خود سفر کمتری داشته‌اند، بهره بردیم. خوشبختانه، گویشوران مورد استفاده ما افرادی علاقه‌مند، شکیبا، خوش‌صحت و با حافظه خوبی بودند. لازم به ذکر است که یکی از گویشوران بومی و جوان بواناتی با سطح تحصیلات عالی و آشنایی کامل با منطقه، در انتخاب گویشوران و جمع‌آوری و طبقه‌بندی داده‌ها کمک‌های شایانی به ما داشت. همچنین گفتنی است شَمّ زبانی یکی از نگارندگان این مقاله که خود از گویشوران بومی گویش مورد مطالعه محسوب می‌شود انجام تحقیق را آسان‌تر ساخت. بخش عمده پیکره<sup>۲</sup> گویشی مورد مطالعه از طریق پرسشنامه پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و همچنین مصاحبه و ضبط صدای گویشوران فراهم گردید. موارد مورد نیاز پرسشنامه‌ها به‌طور دقیق آوانگاری و ثبت شدند و صداهای ضبط‌شده نیز آوانگاری گردیدند تا در نهایت، پیکره

1. oral literature  
2. corpus

گوشی مورد نیاز برای انجام پژوهش به دست آمد. در مواردی، خود ما در جمع چند گویشور به تکمیل پرسشنامه پرداختیم تا با استفاده از گویشوران، هر چه بیشتر به واژه‌های اصیل و کهن این گویش دست یابیم. در این پژوهش سعی شد که اگر واژه‌ای به چند شکل تلفظ می‌شود، همه صورت‌های آن ثبت گردد. پس از گردآوری بیکره گویشی، از طریق پرکردن پرسشنامه و همچنین مصاحبه و ضبط صدای گویشوران، تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده بر اساس چارچوبی نظری انجام شد.

## ۲. بحث

### ۱-۲. اسم و ضمیر

صرف در لغت به معنای مطالعه علمی ساختار واژه‌های زبان است. بخش زیر به بررسی ویژگی‌های تصریفی اسم در گویش مورد پژوهش اختصاص دارد. در گویش بواناتی اسم از لحاظ شمار به دو دسته مفرد و جمع تقسیم می‌شود. اسامی مفرد بدون نشانه و اسامی جمع، دارای نشانه  $\check{a}$  جمع‌اند:

جدول ۱- اسم مفرد و جمع

جمع		مفرد	
bæčă	بچه‌ها	bæče	بچه
biyăbună	بیابان‌ها	biyăbun	بیابان
ketăbă	کتاب‌ها	ketăb	کتاب

در صورتی که واژه به واکه<sup>۱</sup> ختم شود، هنگام اضافه‌شدن افزونه جمع، یکی از حالت‌های زیر رخ می‌دهد:

۱. در صورتی که واژه به واکه /e/ ختم شود، به هنگام اضافه شدن علامت جمع<sup>۲</sup>، /e/ حذف

خواهد شد:

جدول ۲- جمع واژه مختوم به واکه /e/

جمع		مفرد	
kola	مرغدانی‌ها	kole	مرغدانی
qowdă	دسته‌ها	qowde	دسته

<sup>۱</sup> .vowel

<sup>۲</sup> .plural marker

مهم‌ترین ویژگی‌های تصریفی اسم و فعل در گویش بواناتی... (ص ۷۹-۱۰۳)--- جلال رحیمیان و همکار ۸۵

۲. چنانچه اسمی به /ä/ یا /u/ ختم شود، واج میانجی /h/ یا /ʔ/ به پایان اسم و پیش از علامت جمع /ä/ اضافه می‌شود:

جدول ۳- جمع واژهٔ مختوم به /ä/ یا /u/

معادل فارسی	جمع	مفرد
صافی‌های پارچه‌ای	širpælä-ʔä	širpælä
پاها	pä-hä	pä
قباها	qæbä-ʔä	qæbä
گردوها	gerdu-ʔä	gerdu

۳. اگر اسمی به واکه /i/ ختم شود، به هنگام افزوده شدن علامت جمع، برای پرهیز از ترکیب دو واکه، صدای غلتان /z/ میان آن‌ها قرار خواهد گرفت:

جدول ۴- جمع واژهٔ مختوم به /i/

مفرد		جمع	
قالی	qäli	قالی‌ها	qäli-jä
گاری	gäri	گاری‌ها	gäri-jä

## ۲-۲. نشانه‌های معرفه و نکره<sup>۱</sup>

در بیشتر منابع دستوری، اسمی که مرجعش برای گوینده و شنونده معلوم باشد، معرفه است. از معمول‌ترین مصادیق اسم‌های معرفه می‌توان به اسم‌های خاص مانند «بوانات» و «سوریان» اشاره کرد. در گویش بواناتی اسامی معرفه با نشانه‌هایی به شرح زیر معرفی می‌شوند:

۱. صفت‌های اشاره («ای، او، همی، همو»)، و همچنین واکه‌های /u/ یا /ow/ که به پایان اسم

افزوده می‌شوند تا اسم را معرفه سازند:

جدول ۵- ۱- نشانهٔ معرفه

hæmu benju	همان زنبور
hæmi xunow	همین خانه
ʔi qæsr-o bargo	این قصر و بارگاه
ʔu pijälow	آن کاسه

<sup>1</sup>. definite and indefinite markers

۲. اسمی که به اسم معرفه‌ای مضاف شده باشد نیز معرفه محسوب می‌شود:

جدول ۵-۲- نشانه معرفه

særgozæšte šā bærām	سرگذشت شاه بهرام
gerdu bowʔo ʃunet	گردوی پدر بزرگت
xunej mæš morzā	خانه مشهدی مرتضی
šowdæroj šā rezo	شبه‌درهای شارضا

در مقابل اسم معرفه، اسم نکره قرار دارد که مرجعش برای شنونده و گاهی حتی برای گوینده آشنا نیست. در گویش بواناتی برای نشان‌دادن اسم نکره از «ی» نکره در انتهای اسم و یا یکی از صورت‌های /ja/، /je/ یا /jaj/ و /jez/ استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد که نسل جوان‌تر /je/ را بر صورت‌های دیگر ترجیح می‌دهند:

جدول ۵-۳- نشانه معرفه

ruzi	روزی
peseri	پسری
særgozæšti	سرگذشتی
jæ dæfej	یک بار
je zænej	زنی
jej jævjnej	جوانی

### ۳-۲. نشانه اضافه

در گویش بواناتی، مضاف و مضاف‌الیه، صفت و موصوف بدون کسره اضافه در کنار هم قرار می‌گیرند:

جدول ۶-۱- نشانه اضافه

čemli čerāq	کاسه چراغ نفتی
pælu gælduni	کنار طویله
māl mā	مال من

در صورتی که هسته اسمی به هر دلیل (از جمله قرار داشتن در حالت جمع) به /ä/ ختم شود، هسته اسمی به /ej/ ختم خواهد شد:



مهم‌ترین ویژگی‌های تصریفی اسم و فعل در گویش بواناتی... (ص ۷۹-۱۰۳) --- جلال رحیمیان و همکار ۸۷

جدول ۶-۲- نشانه اضافه

rišej mǎ	ریش‌های ما
tærifej qædimi	تعریف‌های قدیمی

هسته اسمی مختوم به /o/ یا /e/، وقتی در حالت اضافه قرار می‌گیرد به /ej/ و /oj/ ختم خواهد شد:

جدول ۶-۳- نشانه اضافه

poj kār	پای کار
ǰoj mǎ	جای ما
bejlej ādæm	عده‌ای آدم

هسته اسمی مختوم به /ow/ یا /i/ باشد، نشانه اضافه‌ای لازم نیست:

جدول ۶-۴- نشانه اضافه

ʔow særd	آب سرد
ʔālu ǰušonde	آلوی جوشانده
dæmi powk	دمپخت ساقه‌های جوان رز

#### ۴-۲. نشانه ندا<sup>۱</sup>

یکی از نشانه‌های ندا در گویش بواناتی /ej/ است که در پایان منادا قرار می‌گیرد. این نشانه، تنها برای واژه‌های دال بر بیان رابطه نسبی به کار می‌رود:

جدول ۷-۱- نشانه ندا

ʔæmej!	ای عمه!
dædej!	ای خواهر!
ʔāqej!	ای پدربزرگ!
nænej!	ای تنه (مادر)!
bowʔej!	ای بابا!
xālej!	ای خاله!

<sup>۱</sup>. vocative marker

نشانه ندای دیگری نیز در این گویش موجود است که حالت نامحترمانه دارد و برای صدا زدن اسم افراد به کار می‌رود؛ این نشانه، نشانه /ow/ است که به انتهای واژه اضافه می‌شود:

جدول ۷-۲- نشانه ندا

medijow!	ای مهدی!
?ækberow!	ای اکبر!
?æliyow!	ای علی!

## ۲-۵. مالکیت

در گویش بواناتی، مالکیت به صورت‌های متفاوتی بیان می‌شود. در ادامه به طور مفصل به انواع مالکیت اسم در گویش بواناتی می‌پردازیم.

### الف. مالکیت ضمیرهای ملکی<sup>۱</sup>

ضمیرهای متصل ملکی در گویش بواناتی نوعی واژه بست محسوب می‌شوند که پس از مضاف قرار می‌گیرند. چنانچه واژه‌ای به همخوان یا واکه مرکب /ow/ پایان پذیرد، ضمیرهای متصل ملکی به صورت زیر در انتهای واژه مورد نظر ظاهر خواهند شد:

جدول ۸-۱- ضمیرهای متصل ملکی واژه‌های مختوم به واکه مرکب /ow/

شخص شمار	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	gow?äm	gow?ed	gow?iš
جمع	gow(?e)mun	gow?edun	gow?išun

جدول ۸-۲- ضمیرهای متصل ملکی واژه‌های مختوم به همخوان

شخص شمار	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	čuqäm	čuqed	čuqiš
جمع	čuq(?e)mun	čuqedun	čuqišun

<sup>۱</sup> .possessive pronouns

مهم‌ترین ویژگی‌های تصریفی اسم و فعل در گویش بواناتی... (ص ۷۹-۱۰۳)--- جلال رحیمیان و همکار ۸۹

اگر واژه‌ای به یکی از واژه‌های ساده بجز واژه /e/، ختم شود، ضمیرهای متصل ملکی به صورت زیر در انتهای واژه مورد نظر (در این جا واژه pã) ظاهر خواهند شد:

جدول ۸-۳- ضمیرهای متصل ملکی واژه‌های مختوم به واژه‌های ساده

شمار	شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	pãm	pãd	pãš	
جمع	pãmu	pãdun	pãšun	

و در نهایت چنانچه واژه‌ای به واژه /e/ ختم شود (مانند penje)، /e/ حذف شده و سپس ضمیر متصل اضافه می‌شود:

جدول ۸-۴- ضمیرهای متصل ملکی واژه‌های مختوم به واژه /e/

شمار	شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	penjam	penjad	penjaš	
جمع	penjemun	penjedun	penješun	

ب. مالکیت ساخت‌های اضافه

همانند فارسی معیار، یکی از راه‌های بیان مالکیت، استفاده از ساخت اضافه است.

جدول ۹- مالکیت ساخت‌های اضافه

مزد گاودار	mozze gowbænæk
مجموعهٔ آغل‌های خان	?ãqol bænde xãn
مسجد جامع سوریان	mæsjed jãme sorjun

ب. بیان مالکیت با استفاده از واژه /mãl/ و /berej/

در این مورد هم مانند فارسی معیار، یکی از راه‌های بیان مالکیت استفاده از واژه «مال» و «برای» است که البته واژه «برای» با مفهوم «مال» به کار می‌رود. این واژه‌ها می‌توانند با اسم، مضاف و مضاف الیه و موصوف صفت همراه شوند و مالکیت را بیان کنند:

جدول ۱۰- مالکیت /mä/ و /berəy/

mäl mänæ	مال من است
ʔj berəj häšom bi	این برای هاشم بود
mäl bonej gondow	مال درخت بزرگ
berəj pesere qäsom	برای پسر قاسم

۲-۶. اتباع<sup>۱</sup>

اتباع به گروهی از واژه‌ها گفته می‌شود که از دو جز تشکیل شده‌اند. در بیشتر موارد یکی از این اجزا بدون معنی است و جزء دیگر در معنی اصلی خود به کار می‌رود. جزء معنادار، پایه و جزء بی‌معنا تابع گفته می‌شود. بین دو جزء پایه و تابع، یک عنصر پیونده /o/ به صورت بالقوه وجود دارد که در برخی موارد ظهور می‌یابد. این نوع واژه‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف. جزء اول پایه<sup>۲</sup> و جزء دوم تابع<sup>۳</sup>:

جدول ۱۱-۱- جزء اول پایه و جزء دوم تابع

holenj tolenj	فشار دادن	pæxšo pære	پراکنده
čero ber	میان	qowmo qert	اقوام (نامحترمانه)
šerende perende	تکه پاره	low ʔo lever	لب و لوجه
tu mu	فرو رفتگی	kajo kuʔär	کج و کوله
gerdel merdel	تپیل	horro gor	دعوا کردن

ب. جزء اول، تابع و جزء دوم پایه:

جدول ۱۱-۲- جزء اول تابع و جزء دوم پایه

væk væsäl	وسایل	mæk ma:l	محل گذاشتن
ʔæk ʔæsäs	وسایل	mæk mäjäl	مجال، فرصت
sæko säde	ساده لوح	pæko pæ:n	پهن

1. duplication

2. base

3. subordinate

مهم‌ترین ویژگی‌های تصریفی اسم و فعل در گویش بواناتی... (ص ۷۹-۱۰۳)--- جلال رحیمیان و همکار ۹۱

پ. نسخه برداری از جزء نخست:

اتباع گاهی بر اثر نسخه برداری از عنصر نخست ایجاد می‌شود:

جدول ۱۱-۳- نسخه برداری از جز نخست

ǰǎ ǰǎ	برای راندن مرغ یا ماکیان اهلی به داخل لانه
kurut kurut	صدای جویدن چیز سفت
henes henes	صدای نفس نفس زدن
qurut qurut	صدای نوشیدن آب

۲-۷. صوت<sup>۱</sup>

منظور از صوت، اسمی است که معمولاً از صداهای طبیعت گرفته شده است. صوت‌ها معمولاً معنای واژگانی ندارند و تنها بیانگر صداهای موجود در طبیعت‌اند که شامل صوت انسان یا حیوان، صدای راندن حیوان یا به هم خوردن یا شکستن چیزی هستند:

جدول ۱۲- صوت

hin	برای حرکت دادن چارپایی که بر آن سوار شوند
hoš	برای متوقف کردن چارپایی که بر آن سوار شوند
gorombi	صدای ریختن آوار
ǰiɕe	صدای جیغ
qeræɕ	صدای شکستن
bǎrre, vǎrre	صدای گاو
ʔǎrreke, ʔǎnge	صدای الاغ
væqqe	صدای سگ
vænge	صدای گریه بچه
bæqqe	صدای گوسفند
ǰǎr	صدای بلند، داد

<sup>۱</sup> interjection

۸-۲. ضمیر

الف. ضمائر شخصی<sup>۱</sup>

ضمیرهای شخصی دو گونه‌اند: ضمائر متصل و ضمائر منفصل

الف. ضمائر شخصی منفصل

ضمیر شخصی منفصل ضمیری است که به واژه پیش از خود نمی‌چسبد، به تنهایی به کار می‌رود و دارای استقلال لفظی و معنایی است.

جدول ۱۳-۱- ضمائر شخصی منفصل

شمار	شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	mæ	to	ʔu	
جمع	mă	omoš	ʔună	

ب. ضمائر شخصی متصل

ضمیر شخصی متصل به صورت واژه‌بست به واژه پیش از خود می‌پیوندد و به تنهایی دارای معنی نیست. چنانچه واژه‌ای به همخوان یا واکه مرکب /ow/ پایان پذیرد، ضمیرهای شخصی متصل به صورت زیر در انتهای واژه مورد نظر ظاهر خواهند شد:

جدول ۱۳-۲-۱- ضمائر شخصی متصل مختوم به /ow/

شمار	شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	-ām	-ed	-iš	
جمع	-(e)mun	-edun	-išun	

اگر واژه‌ای به یکی از واکه‌های ساده بجز واکه /e/، ختم شود، ضمیرهای شخصی متصل به صورت زیر در انتهای واژه مورد نظر ظاهر خواهند شد:

<sup>۱</sup> personal pronouns

مهم‌ترین ویژگی‌های تصریفی اسم و فعل در گویش بواناتی... (ص ۷۹-۱۰۳)--- جلال رحیمیان و همکار ۹۳

جدول ۱۳-۲-۲- ضمائر شخصی متصل مختوم به واکه‌های ساده

شخص شمار	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	-m	-d	-š
جمع	-mun	-dun	-šun

و در نهایت چنانچه واژه‌ای به واکه /e/ پایان پذیرفته باشد، ضمیرهای شخصی متصل به صورت زیر در انتهای واژه مورد نظر ظاهر خواهند شد:

جدول ۱۳-۲-۳- ضمائر شخصی متصل مختوم به واکه /e/

شخص شمار	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	-am	-ad	-aš
جمع	-amun	-adun	-ašun

### ب. ضمیرهای مشترک

در فارسی معیار سه واژه خود، خویش و خویشان ضمیر مشترکند و هر سه برای هر شش شخص به کار می‌روند اما ظاهراً در گویش بواناتی تنها مورد اول؛ یعنی خود وجود دارد.

جدول ۱۳-۳- ضمائر مشترک

شخص شمار	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	xodām	xodet	xodiš
جمع	xodmun	xodedun	xodišun

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که واژه خود تنها در مفهوم ضمیر مشترک به کار می‌رود بلکه یک حرف اضافه با مفهوم «با» نیز محسوب می‌شود.

پ. ضمائر مبهم

واژه‌هایی که بر کسی، چیزی یا مقدار مبهمی دلالت می‌کنند.

جدول ۱۳-۴- ضمائر مبهم

bæʔzi, ye mošti	برخی، بعضی	bowr	یک گروه
hær	هر	qut	هیچ
fulun	فلان	beyle	دسته، گروه
bisār	بهمان	peršeng	مقدار کم

۲-۹. فعل

پیش از ورود به بحث فعل، ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که برخی از افعال، ویژه گویش بواناتی هستند و دارای معادل‌های در فارسی معیار هستند. برای مثال چهار فعل زیر را ملاحظه کنید:

heštæn	گذاشتن	čikidan	پردن
derowšidan	لرزیدن	korčidan	جویدن

فعل در گویش بواناتی دست کم از سه عنصر تشکیل می‌شود: ریشه فعل، شناسه شخص و عدد، و پیشوند فعلی. شناسه‌های شخص و عدد در گویش بواناتی به شرح ذیل به انتهای فعل می‌پیوندند:

شمار / شخص	شناسه مفرد	شناسه جمع
اول شخص	/-æm/	/-im/
دوم شخص	/-i/	/-ik/
سوم شخص	/ø/ ، /-æ/	/-æn/

از میان شناسه‌ها، شناسه دوم شخص جمع، /-ik/ کاملاً نسبت به فارسی معیار متفاوت است. شناسه‌های شخص و عدد برای زمان گذشته و غیرگذشته، بجز سوم شخص مفرد، یکسان هستند. شناسه سوم شخص مفرد برای زمان گذشته صفر و برای غیرگذشته /-æ/ است.



▪ صورت‌های فعلی

الف. وجوه اخباری<sup>۱</sup>. در این گویش، به مانند فارسی معیار، سه صورت با وجه اخباری وجود دارد که جزئیات ساختی و مصادیقی از آن‌ها در زیر آمده است:

پیشوند می + ستاک حال <sup>۳</sup> + شناسه <sup>۴</sup>	مضارع <sup>۲</sup>
ستاک گذشته + شناسه	گذشته ساده
پیشوند می + ستاک گذشته + شناسه	گذشته استمراری <sup>۵</sup>

مضارع			
mi-čik-im	می‌پریم	mi-čikæm	می‌پریم
mi-čik-ik	می‌پرید	mi-čik-i	می‌پری
mi-čik-æn	می‌پرند	mi-čik-æ	می‌پرند

گذشته ساده			
hešt-im	گذاشتیم	hešt- æm	گذاشتم
hešt-ik	گذاشتید	hešt-i	گذاشتی
hešt-an	گذاشتند	hešt-ø	گذاشت

1. indicative mood  
2. non-past  
3. present stem  
4. ending  
5. past imperfective

گذشته استمراری			
mi-dušt-im	می‌دوشیدیم	mi-dušt-æm	می‌دوشیدم
mi-dušt-ik	می‌دوشیدید	mi-dušt-i	می‌دوشیدی
mi-dušt-an	می‌دوشیدند	mi-dušt	می‌دوشید

گاهی پیشوند فعل بجای mi- به صورت mei ظاهر می‌شود:

معادل بواناتی	معادل فارسی
mej-zor-ik	می‌گذارید
mei-zoš-ø	می‌گذاشت

ب. وجوه غیر اخباری. در این گویش، دو وجه غیر اخباری که به ترتیب امری و التزامی است استفاده می‌شود. جزئیات ساختی و نمونه‌هایی از این دو ساخت در زیر قابل مشاهده است:

پیشوند ب + ستاک حال + شناسه	امری <sup>۱</sup>
پیشوند ب + ستاک حال + شناسه	التزامی <sup>۲</sup>

امری			
bijowzun-im	بیاویزیم	bijowzun-æm	بیاویزم
bijowzun-ik	بیاویزید	bijowzun-ø	بیاویز
bijowzun-æn	بیاویزند	bijowzun-æ	بیاویزد

<sup>۱</sup>.imperative

<sup>۲</sup>.subjunctive

مهم‌ترین ویژگی‌های تصریفی اسم و فعل در گویش بواناتی... (ص ۷۹-۱۰۳)---جلال رحیمیان و همکار ۹۷

التزامی			
bijowzun-i	بیاویزیم	bijowzun-æm	بیاویزم
bijowzun-ik	بیاویزید	bijowzun-i	بیاویزی
bijowzun-æn	بیاویزند	bijowzun-æ	بیاویزد

نشانهٔ وجه غیراخباری /be-/ است، اما بسته به شرایط آوایی واژه، از گونه‌های /bi-/، /be-/، /bo-/، /bu-/ و حتی /ø/ استفاده خواهد شد. نمونه‌های زیر نشانگر مصادیقی از پیشوندهای مزبور هستند:

ø-bejzor-i	بگذار	bij-ejk-ø	بیاید
ø-bejzo-ø	بگذار	be-ber-æm	ببرم
negæ bo-dor-æ	نگه بدارد	bij-åmorz-æ	بیاورد
bo-r-ø	برو	bi-čik-im	بپریم
bu-šur-ø	بشور	bu-gu-ø	بگو

### پ. صورت سببی<sup>۱</sup>

برای ساختن صورت سببی در گویش بواناتی وند /-un-/ پس از ستاک قرار می‌گیرد:

mi-keš-un-æ	می‌کشاند	be-čærx-un-ik	بچرخانید
mi-dow-ʔun-æ	می‌دواند	pær-un-d-æn	پرانند

### ت. صورت ترکیبی فعل

در این گویش صورت‌های ترکیبی فعل عبارتند از: غیرگذشته نقلی، گذشته نقلی، غیرگذشته جاری، گذشته جاری و التزامی نقلی<sup>(۱)</sup>. جزئیات ساختی هر کدام از این صورت‌ها به همراه نمونه‌هایی از آن‌ها در زیر خواهد آمد. لازم به ذکر است که در گویش بواناتی (همانند فارسی معیار)، صرف ستاک گذشته در زمان‌های گذشته ساده و غیرگذشته نقلی تقریباً به یک شکل است و تنها

<sup>۱</sup> .causative form

تفاوت میان این دو صرف، محل قرارگرفتن تکیه فعل است؛ به این صورت که در صرف گذشته ساده، تکیه روی هجای نخست فعل، و در نقلی، تکیه روی هجای دوم قرار می‌گیرد:

'gofik	گفتید	گذشته ساده
gof'tik	گفته‌اید	غیرگذشته نقلی

### ۱. غیرگذشته نقلی

در گویش بواناتی، ساخت غیرگذشته نقلی به شرح ذیل است:

اسم مفعول فعل واژگانی + غیرگذشته فعل کمکی بودن

برای نمونه، غیرگذشته نقلی از فعل «(esedan)» به معنای «گرفتن» به شرح ذیل است:

esedim	گرفته‌ایم	esedam	گرفته‌ام
esedik	گرفته‌اید	esedi	گرفته‌ای
esedæn	گرفته‌اند	esede	گرفته است

### ۲. گذشته نقلی

در گویش بواناتی، همانند فارسی معیار، گذشته نقلی به صورت زیر ساخته می‌شود:

اسم مفعول فعل واژگانی + گذشته ساده فعل کمکی بودن

برای نمونه، صورت گذشته نقلی فعل «(esedæn)» به معنای «گرفتن» را ملاحظه کنید:

esede bidim	گرفته بودیم	esede bidæm	گرفته بودم
esede bidik	گرفته بودید	esede bidi	گرفته بودی
esede bidæn	گرفته بودند	esede bi	گرفته بود

### ت ۳. غیرگذشته جاری

ساخت غیرگذشته جاری در گویش بواناتی به شرح ذیل است:

صورت غیرگذشته فعل کمکی «داشتن» + صورت غیرگذشته استمراری فعل واژگانی
---

برای نمونه، ساخت جاری را با استفاده از فعل «derowšidæn» به معنای «لرزیدن» در جدول زیر به نمایش درآمده است:

dorim miderowšim	داریم می‌لرزیم	doræm miderowšæm	دارم می‌لرزم
dorik miderowšik	دارید می‌لرزید	dori miderowši	داری می‌لرزی
doræn miderowšæn	دارند می‌لرزند	doræmiderowšæ	دارد می‌لرزد

### ت ۴. گذشته جاری

طرز ساختن این ساخت به صورت زیر است:

صورت گذشته فعل کمکی «داشتن» + صورت گذشته استمراری فعل واژگانی
---

برای نمونه، «(umedæn)» به معنای «آمدن» در زمان توجه فرمایید:

doštım mımėdım	داشتیم می‌آمدیم	doštæm mımėdæm	داشتم می‌آمدم
doštık mımėdık	داشتید می‌آمدید	došti mımėdi	داشتی می‌آمدی
doštæn mımėdæn	داشتند می‌آمدند	došt mime	داشت می‌آمد

## ت ۵. التزامی نقلی

ساخت صورت التزامی نقلی به شرح ذیل است:

اسم مفعول فعل واژگانی + صورت التزامی فعل کمکی بودن

به عنوان مثال، «(mokid-an)» به معنای «مکیدن» به شکل زیر ظاهر خواهد شد:

mokide bāšim	مکیده باشیم	mokide bāšæm	مکیده باشم
mokide bāšik	مکیده باشید	mokide bāši	مکیده باشی
mokide bāšæn	مکیده باشند	mokide bāšæ	مکیده باش

## ۳. نتیجه گیری

در این پژوهش به توصیف آوایی، صرفی و نحوی گویش بخش مرکزی شهرستان بوانات از شهرستان‌های استان فارس پرداخته شد. گویش بواناتی، یکی از گویش‌های ایرانی میانه غربی است. این گویش بسیار به زبان فارسی نزدیک است؛ شاید به این دلیل است که این گویش نیز مانند بسیاری از دیگر گویش‌های ایرانی، زیر سایه دهکده جهانی، رنگ باخته است.

مطالعه گویش بواناتی ما را به نتایج جالبی در باب ویژگی‌های اسم و فعل در این گویش رساند که به برخی از آن‌ها به اختصار در زیر اشاره خواهد شد. نشانه جمع در گویش بواناتی پسوند /ä/ است. با توجه به وجود واکه /ä/ به عنوان نشانه جمع در این گویش، بسیاری اوقات استفاده از واج میانجی /h/ یا /ʔ/ اجباری خواهد بود. چنانچه اسمی به واکه /u/ یا /ow/ ختم شده باشد، از واج میانجی /ʔ/ استفاده خواهد شد. اگر اسمی به واکه /i/ ختم شود، از واج میانجی /j/ استفاده خواهد شد. در صورتی که اسمی به واکه /e/ ختم شود، پیش از افزودن نشانه جمع /e/ حذف خواهد شد. نشانه نکره «یک»، در این گویش به صورت «(jez)» ظاهر می‌شود. در گویش بواناتی، کسره اضافه حذف می‌شود. در صورتی که اسم جمع را بخواهیم به واژه دیگر اضافه کنیم، نشانه اضافه به جای این که حذف شود به صورت /y/ ظاهر می‌شود. واژه‌های ختم به واکه در ترکیب با واژه‌های دیگر دستخوش تغییراتی نظام‌مند می‌شوند که شرح آن‌ها در متن تحقیق آمده است. در گویش بواناتی نمونه‌ای از اتباع دیده می‌شود که در آن هر دو جزء با معنی هستند.

مهم‌ترین ویژگی‌های تصریفی اسم و فعل در گویش بواناتی... (ص ۷۹-۱۰۳)--- جلال رحیمیان و همکار ۱۰۱

در این گویش برای ساختن فعل نفی و نهی تنها از پیشوند /næ-/ استفاده می‌شود. به هنگام اضافه‌شدن علامت نفی /mi-/ به /m-/ کاهش خواهد یافت. پیشوند نفی هنگامی که بر سر دو ستاک گذشته «آمدن» و «آوردن» اضافه شود، و همچنین در ساخت گذشته به صورت /no-/ بیان می‌شود. در بخش صرف افعال و شناسه‌های مربوط به آن‌ها، شناسه دوم شخص جمع به شکل /-ik/ ظاهر می‌شود که با فارسی معیار تفاوتی اساسی دارد. ساختار ضمائر متصل ملکی در این گویش نیز جالب توجه است که جزئیات آن در متن پژوهش شرح داده شده است.

### پیوست‌ها

۱- برچسب‌های سنتی معادل اصطلاحات بیان‌شده، به ترتیب عبارتند از: ماضی نقلی، ماضی بعید، حال استمراری، گذشته استمراری و ماضی التزامی که ما به دلیل متناقض و نارسا بودن برچسب‌های سنتی و عدم انطباق آن‌ها با واقعیت‌های کاربردی، از اصطلاحات مدرن فوق استفاده کرده‌ایم. معادل انگلیسی صورت‌های فوق به ترتیب عبارتند از:

non-past perfect, past perfect, non-past progressive, past progressive, subjunctive past .

### منابع

- ۱- آذرلی، غلامرضا. (۱۳۸۷). فرهنگ واژگان گویش‌های ایران. تهران: نشر هزار.
- ۲- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۵). تاریخ زبان فارسی. تهران: سمت.
- ۳- احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۸۰). دستور زبان فارسی ۲. چاپ چهاردهم. تهران: فاطمی.
- ۴- اختیار، منصور. (۱۳۴۴). روش بررسی گویش‌ها. تهران: دانشگاه تهران.
- ۵- اسماعیلی، محمد مهدی. (۱۳۷۴). گویش گزی. شیراز، دانشگاه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۶- اشمیت، رودریگر. (۱۳۸۳). راهنمای زبان‌های فارسی ایرانی. ترجمه حسن رضایی باغ بیدی و دیگران. تهران: ققنوس.
- ۷- باطنی، محمدرضا. (۱۳۴۸). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیر کبیر.
- ۸- باقری، مه‌ری. (۱۳۷۷). مقدمات زبان‌شناسی. تهران: انتشارات پیام نور.
- ۹- خواجه اختران، منصوره. (۱۳۷۸). تاریخ و فرهنگ بوانات. دانشگاه آزاد فسا، دانشکده ادبیات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

- ۱۰- رحیمیان، جلال. (۱۳۸۱). دستور زبان فارسی: صورت، نقش و معنا. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۱۱- رحیمیان، جلال. (۱۳۸۹). ساخت زبان فارسی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۱۲- رحیمیان، جلال، نورجهان عماد آبادی و مریم حاجی محمدی (۱۳۹۱). توصیف گویش شیرازی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۱۳- رضایی باغ بیدی، حسن. (۱۳۸۲). «شیرازی باستانی». ویژه‌نامه فرهنگستان. ۱ (۱). ۳۲-۴۰.
- ۱۴- زمردیان، رضا. (۱۳۸۶). راهنمای گرد آوری و توصیف گویش‌ها. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۵- سلامی، عبدالنبی. (۱۳۸۳). گنجینه گویش‌شناسی فارس (دفتر اول). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار.
- ۱۶- شقاقی، ویدا. (۱۳۸۹). مبانی صرف. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۷- شیرینی، علی اکبر. (۱۳۸۶). درآمدی بر گویش‌شناسی. تهران: مازیار.
- ۱۸- طیب‌زاده، امید. (۱۳۹۱). دستور زبان فارسی (بر اساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی). تهران: نشر مرکز.
- ۱۹- فاموری، مهدی. (۱۳۹۲). «چند نکته در گویش شیرازی امروز». ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۳ (۴).
- ۲۰- فتحی، آذر. (۱۳۸۰). راهنمای گردآوری گویش‌ها. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۲۱- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۹۰). واژه‌نامه شصت و هفت گویش ایرانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۲- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۹۱). راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایرانی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی.
- ۲۳- فسایی، حسین. (۱۳۶۷). فارسنامه ناصری. تهران: نشر امیر کبیر.
- ۲۴- فلاحی، محمد هادی. (۱۳۸۴). «واژه‌ها و اصطلاحات کشاورزی و آبیاری در حاجی آباد نقش رستم». گویش‌شناسی، ۲ (۲). ۱۱۴-۱۰۴.
- ۲۵- کلباسی، ایران (۱۳۷۰). اشتقاق در زبان فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۲۶- کیا، محمدصادق. (۱۳۴۰). راهنمای گردآوری گویش‌ها. تهران: اداره فرهنگ عامه.
- ۲۷- لازار، زیلبر. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی معاصر. ترجمه مهستی بحرینی. تهران:



مهم‌ترین ویژگی‌های تصریفی اسم و فعل در گویش بواناتی... (ص ۷۹-۱۰۳) --- جلال رحیمیان و همکار ۱۰۳  
هرمس.

- ۲۸- مدرسی یحیی (۱۳۸۴). «گستره گویش‌شناسی نوین». گویش‌شناسی، ۳ (۴). ۲۲-۲.
- ۲۹- مشکوه الدینی، مهدی. (۱۳۷۰). ساخت آوایی زبان. چاپ دوم. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۳۰- ملک‌زاده اردجی، سودابه. (۱۳۹۰). بررسی زبان‌شناختی گویش زرقانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۳۱- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۸۶). دستور زبان فارسی. چاپ بیست و یکم. تهران: توس.
- ۳۲- ویلیام، سامارین. (۱۳۵۹). زبان‌شناسی علمی، راهنمای بررسی گویش‌ها. ترجمه لطیف عطاری. ستاد انقلاب فرهنگی: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳۳- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۷۴). «زوال زبان‌ها و لهجه‌ها: بیان مشکل و چاره جویی». نامه فرهنگستان علوم. جلد دوم. صص ۳۳-۱۵.

34-Aronoff, M. (1976). *Word Formation in Generative Grammar*. Cambridge, Mass: MIT Press.

35- Chambers, J. K. & Trudgill, P. (1998). *Dialectology*. 2nd Ed. Cambridge: Cambridge University.

36- Falk, J. S. (1978). *Linguistics and Language*. New York: John Wiley & Sons.

37- Mansoori, K.h. (1995). *A Linguistic Study Of The Dashti Dialect*. M.A. thesis. Shiraz: Shiraz University..

38-Romaine, S. (1994). "Dialect and Dialectology". *The encyclopedia of language and linguistics*. Vol. 2, pp. 900-907. Oxford: Pergamon.

39-Sha'bani, A. (2004). *A Linguistic Study Of The Hendijani Dialect Oriented Towards Comparison With Standard Persian*. M.A. thesis. Shiraz: Shiraz University.